

اقتصاد کشاورزی

اقتصاد کشاورزی ایران

دوره پهلوی اول

شهرام غلامی (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)



سرشناسه: غلامی، شهرام، ۱۳۵۴، عنوان و نام بدیدآور: اقتصاد کشاورزی ایران دوره پهلوی اول / شهرام غلامی؛
 ویراستار مرتضی مرادی. / مشخصات نشر: تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶ / مشخصات ظاهری: ۳۶۶
 ص. جدول: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م. / فروست: اقتصاد کشاورزی / شابک: ۱-۹۳-۸۵۹۱-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت
 فهرست نویسی: فیپا / موضوع: کشاورزی -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۰۴-۱۳۲۰ / موضوع: Agriculture -- Iran
 1925-1941 -- History -- / موضوع: کشاورزی -- ایران -- جنبه های اقتصادی / موضوع: Agriculture -- Eco-
 nomic aspeccts -- Iran / موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ -- سیاست و حکومت / موضوع:
 Iran -- History -- Pahlavi, 1925-1941 -- Politics and government / رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ غ ۹ الف /
 ۴۹۹۸۶۲۹ دیوبی: ۶۳۰/۹۵۵ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۹۸۶۲۹

www.ketab.ir

اقتصاد کشاورزی ایران (دوره پهلوی اول) / ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد / مولف: شهرام غلامی /
ویراستار: مرتضی مرادی / طراح جلد و یونیفورم: حسن کریمزاده / صفحه آرا: مریم فتاحی / مدیر تولید:
انوشه صادقی آزاد / نوبت چاپ: اول-۱۳۹۷ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۳-۸۵۹۱-۶۰۰-۹۷۸
چاپ: پردیس / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشر دنیای اقتصاد است / نشرانی انتشارات:
تهران. خیابان مطهری، بین سنایی و میرزای شیرازی، شماره ۳۷۰، طبقه سوم / تلفن: ۸۷۷۶۲۱۳۶
/ نشرانی فروشگاه: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، ضلع شمال غربی میدان شعاع، شماره ۱۰۸ /
تلفن: ۸۷۷۶۲۷۴ / پست الکترونیک: book@den. ir / پایگاه اینترنتی: book. den. ir

ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد

www.ketab.ir

مقدمه	۱۱
مدل‌های اقتصادی	۱۴
نظریه توسعه و دولت	۱۶
نقد منابع	۲۱
منابع پژوهشی	۲۱
فصل مقدماتی: اثرات اقتصاد جهانی بر کشاورزی ایران در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم	۳۳
بخش اول	
کشاورزی، بازار و صنعت	
فصل اول: کشاورزی، بازار و راه‌های تامین اعتبار کشاورزی	۵۱
فصل دوم: صنایع کشاورزی	۷۳
اهمیت و ضرورت صنایع کشاورزی	۷۳
اهداف و پیامدهای تاسیس صنایع جدید کشاورزی	۸۴
فصل سوم: شرکت‌های سهامی کشاورزی و بازرگانی	۱۰۷
دلایل تشکیل شرکت‌های سهامی	۱۰۷
شرکت‌های سهامی انحصاری	۱۰۹
شرکت سهامی مرکزی	۱۱۰
شرکت سهامی نوغان ایران	۱۱۲
شرکت سهامی ابریشم	۱۱۲
شرکت انحصار دخانیات	۱۱۳
شرکت سهامی توتون	۱۱۵
شرکت سهامی پنبه، پشم و پوست	۱۱۵

شرکت‌های سهامی خشکبار	۱۱۹
شرکت سهامی تثبیت نرخ غله	۱۲۲
شرکت صادرات برنج	۱۲۳
شرکت سهامی انحصار صدور تریاک	۱۲۳
شرکت سهامی کل صادرات کتیرا	۱۲۴
شرکت سهامی انقوزه	۱۲۶
شرکت سهامی ماشین‌های فلاحی	۱۲۶
شرکت سهامی شیار	۱۲۶
شرکت سهامی قند و شکر	۱۲۷
شرکت‌های سهامی غیر انحصاری	۱۲۸
شرکت‌های فلاحی	۱۲۹
شرکت‌های تولید چای	۱۳۳
نقش بانک کشاورزی در توسعه شرکت‌های کشاورزی	۱۳۱
عوامل شرکت‌های بازرگانی کشاورزی و عوامل ناکارآمدی آنها	۱۳۴

بخش سوم

سیاست‌های مالی و ناایست‌های اقتصادی دولت

فصل چهارم: سیاست اسکان عشایر	۱۴۱
علل زندگی کوچ‌نشین و علل آن در اقتصاد کشاورزی	۱۴۱
ضرورت‌ها و زمینه‌های استقرار اسکان عشایر	۱۴۸
برنامه‌های دولت برای یکجانشینی و پیمادهای آن	۱۵۷
پیمادهای اسکان عشایر:	۱۶۰
فصل پنجم: توسعه راه‌ها	۱۷۳
فصل ششم: سیاست‌های مالی و حقوقی دولت	۱۹۵
سیاست خودکفایی محصولات کشاورزی	۱۹۹
سیاست‌های مالی	۲۰۸
سیاست‌های گمرکی و بازرگانی	۲۲۶
قوانین و اصلاحات کشاورزی	۲۳۹
ارزیابی سیاست‌های مالی و قوانین مدنی دوره رضاشاه:	۲۴۰

بخش سوم

روابط بازرگانی خارجی ایران

فصل هفتم: انحصار تجارت خارجی	۲۴۵
زمینه‌ها و علل انحصار تجارت خارجی	۲۴۵
قانون انحصار تجارت خارجی	۲۴۷
اهداف و پیامدهای انحصار تجارت خارجی	۲۵۶
فصل هشتم: روابط بازرگانی ایران و روسیه	۲۷۱
فصل نهم: روابط بازرگانی ایران و آلمان	۲۹۹

بخش چهارم	
تحول و توسعه نهادهای کشاورزی	
فصل دهم: تحول و توسعه نهادهای آموزشی و تحقیقاتی	۳۱۱
مدارس کشاورزی	۳۱۱
دانشکده دامپزشکی	۳۱۳
توسعه نهادهای اداری	۳۱۵
توسعه نهادهای تحقیقاتی	۳۱۶
تحقیقات دامی و اقدامات برای دفع بیماری‌های دامی	۳۲۱
اقدامات برای دفع آفات حیوانی	۳۲۳
فصل یازدهم: تحول و توسعه نهادهای اعتباری، مالی و اداری	۳۲۷
بانک کشاورزی	۳۲۷
حق‌تار پایانی: موانع توسعه کشاورزی	۳۳۵
بالا بودن هزینه‌های حمل‌ونقل	۳۳۵
موانع طبیعی، نارسایی سرزمینی و پراکندگی جمعیت	۳۳۷
بالا بودن هزینه‌های تولید و موانع کاربرد ماشین‌آلات	۳۳۸
ساختار نامناسب مالی	۳۴۰
موانع فزاینده و نامطمئن	۳۴۵
عدم توان رقابت در بازارهای بین‌المللی	۳۴۸
مشکلات اداری	۳۴۹
استبداد سیاسی - مصادره املاک	۳۵۳
منابع	۳۵۵

در نیمه دوم قرن نوزدهم به دلیل گسترش مبادلات تجاری، به تدریج اقتصاد ایران با نظام سرمایه داری بین‌المللی پیوند خورد. با تجاری شدن محصولات کشاورزی، تولید محصولات نقدی گسترش یافت و تولید برای عرضه به بازارهای خارجی جای‌گزین تولید معیشتی سنتی شد. در نتیجه تولید و صادرات برخی از محصولات کشاورزی به نحوی سابقه‌ای گسترش یافت و ایران تا حدی به تولیدکننده مواد خام برای کشورهای هسته نظام سرمایه داری و واردکننده کالاهای صنعتی مصرفی تبدیل شد. اینکه در این دوره ساختارهای سنتی کشاورزی تا حدودی بدون تغییر باقی ماند و تقریباً هیچ‌گونه اقدام حمایتی جدی از سوی دولت برای اصلاح بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی جامعه صورت نگرفت، اما پیامدهای نظام اقتصاد به تدریج باعث رشد تولید برخی محصولات کشاورزی خاص شد و قطب‌بندی جابجایی منطقه‌ای را برای تولید برخی محصولات متناسب با تقاضای خارجی فراهم آورد. در مقابل، به میزان افزایش صادرات برخی از مواد خام کشاورزی، واردات کالاهای فراوری‌شده از همین محصولات فزونی گرفت و برخی از صنایع داخلی مرتبط با این محصولات کشاورزی از جمله صنایع بافندگی از بین رفت.

علاوه بر این، افزایش تولیدات کشاورزی غیر غذایی به منظور صادرات و فقدان برنامه‌ریزی مشخص دولت، گاهی منجر به کاهش شدید مواد غذایی

و قحطی‌های پیاپی می‌شد. در نتیجه، رشد صادرات محصولات کشاورزی در کل نمی‌توانست کمبودهای اقتصادی ایران را جبران کند. بنابراین، کشور ایران در پایان حکومت قاجار از لحاظ اقتصادی به‌طور چشمگیری نسبت به سایر کشورهای خاورمیانه فقیرتر بود.

به هر حال، ناتوانی دولت‌های پس از مشروطه برای بازگرداندن نظم و امنیت به جامعه و تأمین حداقل رفاه اجتماعی مردم، انتظار تشکیل دولت مقتدر، مرکزی به رهبری شخصیتی نیرومند که بتواند عقب‌ماندگی‌های کشور را جبران کند، در میان طیف وسیعی از روشنفکران و نخبگان، جامعه را قوت می‌بخشید. دنبال این خواست طبقه فعال جامعه بود که دولت جدید ابتکار عمل برآمده از این خواست را هر چند با آزمون و خطا، اما با جدیت دنبال کرد. بنابراین، با تشکیل حکومت پهلوی و با دخالت دولت تغییرات گسترده‌ای در تمام سطوح اقتصادی و اجتماعی ایران آغاز شد. از این جهت، حکومت جدید دست‌کم بیشتر خواسته‌های اقتصادی روشنفکران این دوره را اجرا یا برآورده کرد.

در پژوهش‌های انجام‌شده در مورد تحولات این دوره، بخش اقتصاد کشاورزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در ارزیابی‌های کلی از اقتصاد این دوره، تحت تأثیر جریان‌ات سیاسی دوره‌ها، بعد و تبلیغات شدیدی که اشغالگران ایران در جنگ جهانی دوم برای پنهان کردن اقدامات غارتگرانه و کمبودهای به وجود آمده انجام دادند، کارنامه اقتصاد کشاورزی ایران در فاصله دو جنگ جهانی کاملاً منفی ارزیابی شده و گفته می‌شود که کشاورزی به‌طور کل قربانی صنعتی کردن ایران شد. حتی در پاره‌ای از شورش‌ها، کل برنامه‌ریزی‌های اقتصادی این دوره، نابخردانه و زیانبار و حتی در حالت افراطی‌تر، توطئه‌ای از پیش طراحی‌شده برای خدمت به منافع بیگانگان و جلوگیری از رشد سرمایه‌های ملی معرفی شده است.

هدف این پژوهش، بررسی جایگاه اقتصاد کشاورزی ایران در چارچوب تحولات سیاسی-اقتصادی داخلی و خارجی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ است.

در نتیجه به بررسی این سؤالات پرداخته می‌شود که؛ کشاورزی ایران در برنامه‌های نوسازی دوره پهلوی اول چه جایگاهی داشت و اقدامات دولت در زمینه توسعه صنایع، انحصار تجارت خارجی، ثبت اسناد و املاک، اسکان عشایر و توسعه فعالیت‌های راه‌سازی چه تاثیری در اقتصاد کشاورزی ایران داشت؟ تحولات جهانی چه تاثیری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی داشت و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت ایران تا چه میزان در برابر اثرات نظام اقتصاد جهانی رفیق‌آمیز بود؟ بنابراین برای پاسخ به این پرسش‌ها مباحث مختلفی در زمینه تحولات اقتصاد جهانی، سیاست‌گذاری اقتصادی، بازرگانی داخلی و خارجی، نظام مالی، نظام زمین‌داری و غیره، طرح و بررسی شده و امکانات و محدودیت‌های موجود و نگرش‌ها و دستاوردهای مربوط به آن مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

فرضیه اصلی پژوهش این است که تحولات جدید این دوره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر بخش کشاورزی تأثیر گذاشته است. برخی از اقدامات دولت مانند صنعتی‌سازی جایگزین واردات، توسعه راه‌ها، انحصار تجارت خارجی، معاملات پایاپای، سیاست‌های بازرگانان کشاورزی و شرکت‌های سهامی کشاورزی، مستقیماً تحت تأثیر تحولات اقتصادی جهانی صورت گرفت و هرکدام از این اقدامات به‌نحوی بر کشاورزی ایران تأثیر داشت.

به‌طور مشخص بخشی از فعالیت‌های راه‌سازی به‌نظر توسعه صادرات کشاورزی برای عرضه به بازارهای جهانی صورت گرفته و توسعه صنایع کشاورزی نیز گزینه دیگری بود که پس از بحران اقتصادی ۱۳۲۰ در جهت عکس راه‌حل قبلی طراحی شده بود. سایر برنامه‌های عمرانی و تحرک‌های اداری و سیاست‌های مالی هرکدام به نوعی بر اقتصاد کشاورزی ایران تأثیرگذار بود. برخی از این اقدامات مانند صنعتی‌سازی جایگزین واردات و اسکان عشایر نتایج فوری‌تری داشت. اما برخی طرح‌ها مانند فعالیت‌های راه‌سازی و عمرانی به‌رغم سرمایه‌بر بودن آنها مدت زمان بیشتری طول می‌کشید تا اثرات آنها در کشاورزی و کلیات اقتصادی کشور نمایان شود. در نهایت، دولت در داخل با

محدودیت‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی زیادی از جمله ساختار پیچیده نظام زمین‌داری، اقتصاد فنودالی، کمبود جمعیت و ناپیوستگی سرزمینی مواجه بود، که حل تمامی این موانع در فاصله کوتاه تقریباً امکان‌پذیر نبود.

گذشته از این، تنگناهای اقتصاد جهانی در فاصله دو جنگ جهانی و بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ عرصه فعالیت دولت را محدودتر می‌کرد. بنابراین، برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی نیز همانند سایر بخش‌های دولت مدرن، به دلیل عدم تجربه و الگوی پیشینی و نیز تغییرات نظام اجتماعی در داخل و خارج، با تجربه و خطا همراه بود. اما در کل چارچوب نسبتاً استواری برای تحولات بعدی فراهم شد و به میزانی که نهاد دولت رشد می‌کرد از جامعیت و پختگی بیشتری برخوردار می‌شد.

تاکنون هیچ بررسی جامعی درباره کشاورزی ایران در این دوره صورت نگرفته است، اما در پژوهش‌هایی که به‌طور کلی در زمینه تاریخ و اقتصاد ایران پرداخته‌اند، به صورت گزینشی از مسائل کشاورزی این دوره اشاره شده است. بنابراین، غالب دیدگاه‌های موجود در این منابع تکراری و سطحی است. مطالب اصلی این پژوهش در درجه اول متکی بر اسناد آرشیوی و گزارش‌های رسمی است و کوشش شده تا از طریق تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک موجود، جایگاه اقتصاد کشاورزی و تحولات مربوط به آن در فضای جهانی روشن شود. بنابراین، علاوه بر روش توصیفی و ذکر جزئیات، تلاش شده تا حد اکثر با ارائه نمونه‌های کمی و آماری، اطلاعات جمع‌آوری‌شده بر اساس مدل نظری نظام اقتصاد جهانی و رویکرد دولت مدرن در یک افق کلی پرداخته و مستدل شود.

مدل نظری تحقیق

در این کتاب با بهره‌گیری از مباحث توسعه اقتصادی به بررسی مطالب پرداخته شده و به‌طور عمده دو نظریه نوسازی دولت مدرن و نظام اقتصاد جهانی مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به‌طور مختصر چارچوب نظری دولت مدرن و نظام اقتصاد جهانی معرفی خواهد شد.

نظریه نظام جهانی امانوئل والرشتاین در مورد پیدایش اقتصاد جهانی سرمایه‌داری اروپا در قرن شانزدهم که به نوعی توسعه نظریه وابستگی در مقیاس تاریخ جهانی است، در یکی دو دهه اخیر مورد توجه بعضی از پژوهشگران تاریخ و مسائل اجتماعی در ایران قرار گرفته است. طبق نظریه والرشتاین از قرن شانزدهم به بعد در نتیجه اکتشافات جغرافیایی و تقسیم کار جهانی، برخی از کشورهای قدرتمند در مرکز نظام اقتصاد جهانی قرار گرفتند و سهم قابل توجهی از مازاد اقتصاد کشورهای دیگر را به خود اختصاص دادند. در این مدل از لحاظ جغرافیایی کشورها به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ منطقه هسته‌ای، منطقه نیمه‌پیرامونی و منطقه پیرامونی یا حاشیه‌ای. منطقه هسته‌ای بر اقتصاد جهانی تسلط دارد و مازاد تولید اقتصادی سایر مناطق را جذب می‌کند. منطقه نیمه‌پیرامونی در میان این‌که وسط مرکز استثمار می‌شود، ممکن است که خود به استثمار منطقه پیرامونی بپردازد. اما منطقه پیرامونی صرفاً به تهیه مواد خام برای مناطق هسته‌ای و نیمه‌پیرامونی می‌پردازد و به شدت مورد استثمار قرار می‌گیرد. از لحاظ تقسیم کار بین‌المللی و نظریت بر کار نیز سه الگوی متفاوت شکل گرفت. منطقه مرکز از نیروی کار آزاد استفاده می‌کرد در حالی که منطقه نیمه‌پیرامونی قانون کشاورزی سهم‌بری بود و منطقه پیرامونی از نیروی کار اجباری استفاده می‌کرد. منطقه هسته‌ای نظام جهانی در قرن شانزدهم در کشورهای اروپای غربی شکل گرفت؛ از ویژگی‌های آن توسعه صنایع، گسترش شهرها و نیروی کار متخصص بود. اما کشورهای منطقه پیرامونی به سمت تولید محصولات کشاورزی خام و تک‌محصولی برای تامین نیاز کشورهای هسته تبدیل شدند. از لحاظ سیاسی نیز از سده شانزده تا هجده، در مناطق مرکزی دولت‌هایی مطلقه سر برآوردند که نقش اساسی در تحول سرمایه‌داری را بر عهده داشتند، در حالی که در مناطق حاشیه‌ای دولت‌های ضعیفی شکل گرفتند. با وجود این، والرشتاین یک عرصه خارجی را در نظر می‌گیرد که در قرن شانزده و اوایل قرن هفدهم هنوز بخشی از اقتصاد جهانی اروپا نبودند. (Wallerstein, 1974)

چارچوب نظری والرشتاین شاید در مورد ایران قرن شانزدهم به‌طور کل قابل

تعمیم نباشد، اما این واضح است که در نیمه دوم قرن نوزدهم به دلیل گسترش مبالغه بازرگانی وارد منطقه پیرامونی اقتصاد جهانی شد. تولید مواد خام برای بازارهای مرکز سرمایه صنعتی افزایش یافت و ایران هم از سوی کشورهای هسته سرمایه و هم از سوی کشورهای نیمه پیرامونی مانند روسیه به شدت مورد استثمار قرار گرفت. از لحاظ سیاسی هم حکومت ضعیفی داشت و اگرچه به ظاهر مستعمره نبود، اما در توان ایجاد نظم و اداره داخلی کشور هم ناتوان بود.

در این پژوهش با بهره گیری از چارچوب نظری والرشاین، اقتصاد کشاورزی ایران - در فاصله بین دو جنگ جهانی بررسی شده است. بنابراین، در فصل های مختلف پیامدها و اثرات اقتصاد جهانی در تولید و صادرات کالاهای کشاورزی ایران و سیاست های دولت مورد بحث قرار گرفته است. برای درک بهتر اثرات نظام اقتصادی جهانی، در بعضی موارد نیز به بررسی تطبیقی تحولات ایران با کشورهای مشابه اورمیانه پرداخته و نمونه هایی از این تغییرات اشاره شده است.

نظریه نوسازی و دولت مدرن

احساس عقب ماندگی در بسیاری از کشورهای آسیایی بعد از جنگ اول جهانی موجب بروز ناسیونالیسم شدید در این کشورها شد. ضرورت دخالت دولت در اقتصاد را افزایش داد. در کشورهای نسبتاً پیشرفته آسیایی و آسیایی مانند ژاپن، روسیه، ایتالیا و آلمان نیز شالوده جدیدی از اقتصاد ناشیستی طرح و دولت تنها مرجع پیشرفت و توسعه اقتصاد ملی تشخیص داده شد. از لحاظ عملی، دولت در مفهوم هگلی آن مظهر عقل و مصلحت عمومی شناخته شده و مسئول اصلاح و نوسازی جامعه و اقتصاد معرفی می شد. بنابراین، در برداشتی فایده انگارانه دولت وسیله ای برای تامین رفاه عمومی جامعه تلقی می شد و این مسئله تنها از طریق کاربست آمریت دولت می توانست تحقق یابد. از این لحاظ تجدد آمرانه آن گونه که اکنون مذموم پنداشته می شود، در آن زمان، نه امری نامشروع و قابل نکوهش، بلکه قابل ستایش هم بود و طرفداران زیادی

در میان روشنفکران و دولتمردان ایرانی داشت. تجدد آمرانه در ایران، ترکیه، روسیه، ژاپن و جاهای دیگر هرکدام برای رسیدن به هدف اصلاح و نوسازی، با ابزارهای خاصی دنبال شد.

بنابراین پس از جنگ اول جهانی، توجه به نقش محوری دولت در مباحث نظری توسعه اقتصادی اهمیت بیشتری یافت. در ایران نیز همانند سایر کشورهای دیگر، دلیل احساس شدید عقب‌ماندگی و اشغال ایران در جنگ اول جهانی، موجی از ناسیونالیسم به وجود آمد. ناسیونالیسم پر حرارت ایرانی شاید برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی جدید، درون‌مایه‌ای وزین از اندیشه‌های اقتصادی نوین به همراه نداشت، اما خواستار پیشرفت سریع اقتصادی و نوسازی کشور از طریق دخالت مستقیم دولت و کار بست آمریت آن بود و با شدت تمام این مسئله را دنبال می‌کرد.

به‌طورکل با توجه به توسعه بعد از جنگ، در ابتدا نظریه‌های توسعه بر این نکات بیشتر تاکید داشتند:

- (۱) دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی؛
- (۲) اعطای کمک‌های مستقیم به صنایع و بنگاه‌های داخلی؛
- (۳) ایجاد تعرفه‌های گمرکی سنگین به‌منظور کمک به صنایع داخلی؛
- (۴) کنترل شدید واردات توسط دولت.

با بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ ضرورت دخالت دولت در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بیش از پیش اهمیت یافت. تفکر ملی‌گرایی اقتصادی با تکیه بر اندیشه مکتب اقتصادی آلمان از جمله فردریک لیست و با روشی که بعداً که به پیشنهاد می‌کرد، در تمام کشورها رواج یافت. به‌هرحال، دولت جدید با ابزارهای کنترلی خاصی که در اختیار داشت، با مفهوم قدیمی آن تفاوت بارز یافت. بنابراین، طبق این مدل نظری دولت‌های مدرن در رویارویی با نظام اقتصاد جهانی آن‌گونه که پنداشته می‌شود، نه تنها موجودی کاملاً دست‌بسته و منفعل نبوده‌اند، بلکه اینها در دوره جدید با در اختیار داشتن ابزارهای مالی و قانونی اثرات منفی اقتصاد جهانی را خنثی کرده یا آگاهانه تلاش کرده‌اند تا با ایجاد پیوندی هدایت‌شده

و گرینشی با نظام سرمایه‌داری جهانی، آن را به خدمت بگیرند. بنابراین، از این نظر توسعه وابسته اساساً امری نامطلوب به حساب نمی‌آید.

از نظر والرشتاین نیز موقعیت کشورهای پیرامونی نظام سرمایه‌داری در هنگام بحران‌های اقتصاد جهانی و سقوط شدید قیمت مواد اولیه، می‌تواند با راهبردهای مختلف موقعیت خود را از جایگاه پیرامونی به نیمه‌پیرامونی، و از نیمه‌پیرامونی به هسته سرمایه جهانی ارتقا دهند. (Wallrestine, 1979:p.76) مثلاً کشور روسیه بعد از جنگ اول جهانی، جایگاه خود را از منطقه تقریباً پیرامونی به نیمه‌پیرامونی ارتقا داد و کشور آلمان از موقعیت نیمه‌پیرامونی به هسته سرمایه نزدیک شد.

در این پژوهش تلاش شده تا کنش متقابل میان نظام اقتصاد جهانی و سیاست‌های دولت ایران، و تاثیر آن بر اقتصاد کشاورزی کشور بین دو جنگ جهانی بررسی شود. چنانچه در فصل‌های مختلف این پژوهش گفته می‌شود، دولت ایران با سیاست‌گذاری‌های جدید مالی و صنعتی کردن جایگزین واردات، تلاش می‌کرد تا از برخی اثرات نامطلوب نظام اقتصادی جهان جلوگیری کرده یا حداقل خود را با شرایط اقتصاد جهانی پس از جنگ اول جهانی تطبیق دهد. برای نمونه دولت به هر طریقی می‌کوشید تا با احصاد بازار مصرف داخلی، از صادرات مواد خام کشاورزی جلوگیری کرده و از میزان وابستگی خود به محصولات فراوری‌شده کشاورزی مانند قند، پارچه و ... بکاهد. بنابراین، در فصل‌های مختلف جلد اول این کتاب برنامه‌های عملی دولت و اقدامات صورت گرفته برای کاهش اثرات نظام اقتصادی جهانی یا برای انطباق‌پذیری با آن تشریح شده است.

این کتاب در دو جلد تنظیم شده است. در این جلد تنها به بررسی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دولت در بخش کشاورزی از جمله تأسیس صنایع کشاورزی، تشکیل شرکت‌های سهامی، سیاست اسکان عشایر، سیاست‌های بازرگانی و تحول و توسعه نهادهای کشاورزی پرداخته می‌شود و سایر موضوعات از جمله مسائل دهقانی، شیوه‌های تولید کشاورزی، تولیدات مهم

کشاورزی و سهم کشاورزی در اقتصاد ایران در جلد دیگر بحث خواهد شد. در پایان این بحث بر خود لازم می‌دانم از تمامی افرادی که به‌نحوی در تالیف و چاپ این اثر به من کمک کرده‌اند سپاسگزاری کنم. پیش از همه باید از آقای دکتر داریوش رحمانیان و خانم سیمین فصیحی که در یافتن برخی از سرچشمه‌های بحث از مصاحبت ایشان بهره گرفته‌ام، قدردانی کنم. از دوست بزرگوار آقای دکتر گودرز رشتیانی که در تدوین و ویرایش برخی قسمت‌های متن امانت کشیدند، و نیز از دوست عزیزم آقای مسعود کوهستانی‌نژاد که مقدمه چاپ کتاب را فراهم کردند بسیار سپاسگزارم. همچنین باید از همسرم طاهره شریفی که در زمان نوشتن این کتاب بار تمام مسئولیت‌های زندگی بر عهده ایشان بود، تسکینم.

شهرام غلامی - تهران ۱۳۹۴